

تحلیل گفتمان نقشگرای اشعار ملاعلی فاخری

حسین قاسمی^۱

آناهیتا پرتوی^۲

حمید ساروخانی^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل گفتمان اشعار تعلیمی «ملاعلی فاخری» فقیه و ادیب نامدار قرن ۱۳ هجری انجام شده است تا به این وسیله چگونگی بازنمایی جهان بینی موجود در این گفتمان در قالب نظام گذرایی و انواع فرایند و نیز تفاوت‌ها و شباهت‌های احتمالی چنین بازنمایی‌ای در دو اثر «گزیده اشعار» و «گزیده مرثیه» مشخص گردد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در پیکره مورد بررسی فرایندهای مادی، رابطه‌ای و ذهنی بیشترین کاربرد را داشته‌اند. همچنین ملافاخر در گزیده مرثیه از فرایندهای مادی، رفتاری و وجودی بیشتر از گزیده اشعار استفاده کرده است. درحالی‌که فرایندهای بیانی، رابطه‌ای و ذهنی در گزیده اشعار بیشتر از گزیده مرثیه کاربرد دارد.

واژه‌های کلیدی: تحلیل گفتمان نقشگرا، نظام گذرایی، گفتمان تعلیمی، ملاعلی فاخری

۱- مقدمه

برای انواع ادبیات خصوصاً شعر بر اساس محتوا، دسته‌بندی سه‌گانه ارائه شده است «حماسی، غنایی و تعلیمی» (پورنامداریان، ۱۳۸۶). ادبیات تعلیمی، اعم از شعر و نثر، هر نوع نوشته‌ای است که پاسدار بنای گران سنگ و ارجمند فرهنگ و نگاهبان گنجینه‌های گران‌بهای انسانی، فطری و جهان شمول بشر است (دلاور، ۱۳۹۶). بنا به نظر شمیسا (۱۳۸۱: ۲۶۹) ادبیات تعلیمی شامل آثاری است که دانشی (چه عملی و چه نظری) را برای خواننده تشریح کند یا مسائل اخلاقی، مذهبی یا فلسفی را به شکل ادبی عرضه دارد. البته ادبی بودن اثر تعلیمی، مقوله بالتشکیک است؛ یعنی در آثاری، عناصر و مایه‌های ادبی کمتر و در آثاری بیشتر است.»

^۱ - استادیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم شهر، قائم شهر. (نویسنده مسئول)

hossein_gh53@yahoo.com

^۲ - دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قائم شهر. پژوهشگر زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم

انسانی و مطالعات فرهنگی
anahitapartovi@yahoo.com

^۳ - دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم‌شهر
hsarokhani@yahoo.com

علامه ملاعلی فاخری متخلص به فاخر، فقیه، ادیب، عارف و حماسه‌سرای قرن ۱۳ هجری است. وی در سال ۱۱۸۸ ه.ش (۱۲۲۴ ه.ق) در روستای سنار از توابع شهرستان چالوس در استان مازندران به دنیا آمد. فاخر ابتدا در ایران به تحصیل علوم دینی و فقهی پرداخت و مدارج علمی را طی کرد. وی به دلیل فضائل معنوی و شایستگی‌های علمی و فقهی به موجب حکمی از سوی آیت‌الله حائری و اصفهانی مسئول امور شرعی منطقه کلارستاق شد. فاخر برای ادامه تحصیل علوم دینی به حوزه علمیه نجف رفت و تحصیلات خود را به کمال رساند و با طی مدارج اجتهاد و مراحل سیر و سلوک عرفانی، با حکم شرعی میرزا مهدی آل کاشف الغطاء از مجتهدین و علمای بنام حوزه علمیه نجف به مازندران و زادگاه خود بازگشت. این فقیه توانا ضمن رسیدگی به امور شرعی منطقه، در ترویج احکام اسلامی و فرهنگ عاشورایی تلاش بسیاری کرد و با بهره‌گیری از ذوق ادبی خویش و اشراف بر علوم و معارف اسلامی، وقایع زندگی معصومین (ع) به ویژه واقعه عاشورا را به صورت تعزیه و مرثیه در قالب اشعار حماسی و عرفانی به نظم کشید. فاخر از معاصران و مصاحبان نزدیک آیت‌الله میرزا محمد مجتهد تنکابنی از علمای صدر مشروطیت بود و با تشویق ایشان بخشی از احکام رساله عملیه ایشان را به نظم در آورده است. علامه ملاعلی فاخر، فقیه و عارفی زمان‌شناس نیز بوده‌است و اشعار حکیمانه‌ای راجع به مسائل اعتقادی و اجتماعی و پندها و فضایل اخلاقی سروده است. سرانجام این عالم فرزانه و عارف وارسته در سال ۱۲۶۶ ه.ش (۱۳۰۵ ه.ق) دعوت حق را لبیک گفت و به دیدار حق شتافت. آرامگاه ایشان در نجف اشرف در جوار بارگاه امیر مؤمنین علی (ع) است (موسسه فرهنگی هنری ملاعلی و شیخ آقاحسن فاخری^۱).
اشعار ملاعلی فاخر با توجه به محتوای آن در زمره ادبیات تعلیمی زبان فارسی قرار می‌گیرند.

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی و به روش کتابخانه‌ای است. به منظور تحلیل گفتمان اشعار ملاعلی فاخر در این مقاله ۲۶۰ بیت از سروده‌های این شاعر در کتاب‌های گزیده اشعار و گزیده مرثیه به روش تصادفی انتخاب شدند و با هدف پی‌بردن به چگونگی بازنمایی جهان‌بینی موجود در این گفتمان و نیز تشخیص شباهت‌ها و تفاوت‌های احتمالی اشعار این دو اثر با استفاده از ابزارهای موجود در نظام گذرایی (طبقه‌بندی و بسامد رخداد انواع فرایند) فرانشس تجربی مورد تحلیل و مقایسه قرار گرفتند.

۲- چارچوب نظری

در دستور نقشگرا، زبان دارای نقش و کارکردهای مختلف در جامعه و پدیده‌های متفاوت است؛ از این رو، می‌توان با این رویکرد پدیده‌های زبان را بررسی نمود. مطابق با نظریه نقش‌گرا الگوهای تجربه در قالب فرایندها و از طریق فرانشس تجربی تجلی می‌یابند. از منظر هلیدی^۲ و متیسین^۳ (۲۰۱۴: ۳۰) جنبه‌های مختلف تجربه انسان (فرایندی رخ داده، چگونگی روابط افرادی که در این فرایند درگیر هستند و انسجام و پیوستگی و توالی عناصر پیام) از طریق سه فرانشس تجربی، بینافردی و متنی که به طور همزمان و

^۱ www.fakher96.ir

^۲ - Halliday, M.A.K.

^۳ - Matthiessen, C. M.

موازی می‌توانند در پیام وجود داشته باشند، بازنمود زبانی می‌یابد. در هر یک از این فرانتش‌ها تعبیر متفاوتی از بند^۱ ارائه می‌شود. بند به عنوان بازنمایی^۲ (بند بازنمایی فرایندهایی در تجربه انسان است)؛ کنش‌گر (عنصری است که گوینده او را به عنوان کننده کار مطرح می‌کند و شرکت کننده فعال در این فرایند است)؛ مبادله^۳ (بند در واقع مبادله و انتقال بین گوینده و شنونده است. «فاعل» عنصری است که گوینده اعتبار گزاره‌ای که بیان می‌کند را منوط و منسوب به آن می‌داند)؛ و پیام^۴ (در فرانتش متنی مطرح است و از این دیدگاه متن پیامی دارد و نقطه عزیمت این پیام از دید گوینده «آغازگر/مبتدا» نامیده می‌شود) (همان: ۸۳). نقش اندیشگانی همان نقش محتوایی و بازنمایی زبان است که نظام گذاری ساز و کار بیان این فرانتش محسوب می‌شود.

۲-۱- نظام گذاری

از منظر فرانتش تجربی بند شیوه‌ای برای بازنمایی است و رخدادی را به لحاظ اینکه چه کسی در آن مشارکت داشته است، چه عملی اتفاق افتاده است و زمان، مکان، شیوه و علت این رخداد چه بوده است، توضیح می‌دهد. نظام گذاری مکانیسم بیان فرانتش تجربی است و هلیدی و متیسن (۲۰۰۴: ۱۷۰) نظام دستوری که این امر در آن محقق می‌شود را «نظام گذاری» می‌نامند. به اعتقاد ایشان نظام گذاری دنیای تجربه را در مجموعه قابل‌کنترلی از فرایندها تفسیر می‌کند. به نظر هلیدی (۱۹۹۴: ۱۰۶) نظام گذاری نشان می‌دهد چگونه کاربران زبان تصویر ذهنی خود از واقعیت را در قالب زبان تجسم می‌بخشند و چگونه تجربه خود از دنیای اطراف و درونشان را توضیح می‌دهند. این تجربه از مجموعه‌ای از «روی‌دادن‌ها»^۵، یعنی اتفاق افتادن، انجام دادن، احساس کردن، معنا دادن و بودن و شدن؛ تشکیل شده است.

در فرانتش تجربی بند از سه عنصر اصلی تشکیل شده است: ۱- فرایند که یک رخداد یا عمل انجام شده در بستر زمان است و معمولاً در قالب گروه فعلی عینیت می‌یابد. ۲- شرکت‌کننده‌هایی که در این فرایند درگیر هستند و در قالب گروه اسمی در زبان نمایان می‌شوند. ۳- عناصر حاشیه‌ای که با این فرایند در ارتباط هستند و معمولاً در قالب گروه قیدی یا حرف‌اضافه‌ای عینیت می‌یابند.

جهت تحلیل ساختار گذاری بند نیاز است به سه سؤال پاسخ داده شود: ۱- نوع فرایند چیست؟ ۲- چند مشارک در آن فرایند حضور دارند؟ و ۳- عناصر پیرامونی فرایند کدام‌اند؟

هلیدی و متیسن رویدادهای تجربی را بر اساس نوع تجربه‌ای که توضیح می‌دهند در شش نوع فرایند دسته‌بندی کرده‌اند که به دو دسته فرایندهای اصلی و فرعی تقسیم می‌شوند. فرایندهای اصلی به

1- clause

2- representation

3- exchange

4- message

5- goings on

سه گروه مادی^۱، ذهنی^۲، رابطه‌ای^۳ تقسیم می‌شوند و در مرز این فرایندها سه فرایند فرعی رفتاری^۴، وجودی^۵ و بیانی^۶ قرار می‌گیرند.

۲-۱-۱- فرایند مادی

فرایند مادی، فرایند رخداد حادثه را نشان می‌دهند. فعلی که نمایاننده این نوع فرایند است یا لازم است یا متعدی. در هر صورت شرکت‌کننده‌ای که عملی را انجام داده است کنشگر و در صورت متعدی بودن شرکت‌کننده‌ای که تحت تأثیر عمل انجام‌شده قرار گرفته است هدف^۷ نامیده می‌شود (رستم‌بیک و رضانی، ۱۳۸۹).

۲-۱-۲- فرایند ذهنی

فرایندهای ذهنی مربوط به تجارب دنیای درون و نمایانگر احساس و ذهنیت است. در بند دارای فرایند ذهنی کسی که احساسی در او به وجود آمده حس‌گر^۸ نامیده می‌شود و انسان یا موجودی ذی‌شعور مانند انسان است که می‌تواند حس کند، فکر کند، بخواهد و درک کند. عنصر اصلی دیگری که در این نوع بند وجود دارد آن چیزی است که احساس را به وجود آورده و پدیده^۹ نامیده می‌شود. فرایندهای ذهنی بنا به ماهیت کنش ذهنی که صورت می‌دهند به انواعی دسته بندی می‌شوند: ۱- ادراکی^{۱۰} مانند: شنیدن، ۲- عاطفی^{۱۱} مانند: دوست داشتن، ۳- شناختی^{۱۲} مانند: تصور کردن و ۴- تمنایی^{۱۳} مانند خواستن (تامپسون، ۲۰۱۴: ۹۹-۱۰۰).

۲-۱-۳- فرایند رابطه‌ای

نقش اصلی فرایندهای رابطه‌ای شخصیت بخشیدن یا هویت دادن است و این فرایند نشان دهنده چگونه بودن چیزها است (هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴: ۲۵۹). در این نوع فرایند تجربه از جنبه بودن مورد توجه قرار می‌گیرد و نه مانند فرایند مادی و ذهنی از جنبه انجام دادن و حس کردن. در نتیجه صورت‌های مختلف فعل بودن نمونه بارز این فرایند است. انواع فرایند رابطه‌ای عبارت‌اند از ۱- اسنادی: که اجزای

1- material

2- mental

3- relational

4- behavioural

5- existential

6- verbal

7- goal

8- sensor

9- phenomenon

10- perceptive

11- emotive

12- cognitive

13- desiderative

تشکیل‌دهنده بند حاصل از آن شاخص^۱ و حامل^۲ است. در این نوع بند شاخص می‌تواند یک گروه اسمی اسمی نکره یا صفت باشد و نقش آن نسبت دادن یک ویژگی به یک چیز است. ۲- هویتی^۳: که اجزای تشکیل‌دهنده بند حاصل از آن شناخته^۴ و شناسا^۵ است. در فرایند رابطه‌ای هویتی ویژگی خاصی برابر با هویت فرد است و در چنین بندی عناصر قابل جابجایی است.

۲-۱-۴- فرایند بیانی

این فرایند مرز میان فرایندهای مادی و ذهنی و انجام یک عمل فیزیکی (گفتن) است که نتیجه یک فعالیت ذهنی محسوب می‌شود. بند دارای این فرایند به بیان چیزی اشاره دارد. مشارکی که در تمام فرایندهای بیانی حضور دارد گوینده^۶ است و علاوه بر آن سه شرکت‌کننده دیگر نیز در بند ایفای نقش می‌کنند: ۱- مخاطب بند^۷، ۲- گفته^۸، ۳- مخاطب فرایند^۹. منظور از مخاطب بند شخصی است که روی روی سخن گوینده با او است. گفته آن چیزی است که بیان شده است و مخاطب فرایند کسی است که فرایند بیانی او را هدف قرار می‌دهد (هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴: ۳۰۳).

۲-۱-۵- فرایند رفتاری

فرایند رفتاری فرایندی است که مانند فرایندهای ذهنی در مرز بین فرایند ذهنی و مادی قرار دارد؛ به همین علت تا از یک سو تا حدودی شبیه به فرایندهای مادی و از سوی دیگر شبیه به فرایندهای تجربی است. این فرایندها به طور معمول به انسان نسبت داده می‌شوند و جزو رفتارهای فیزیولوژیکی و روان‌شناختی است مانند نفس کشیدن، سرفه کردن، خیره شدن. شرکت‌کننده یا کسی که از او رفتاری سرمی‌زند به طور معمول باید یک موجود ذی‌شعور باشد و در چنین بندهایی رفتارگر^{۱۰} نامیده می‌شود (هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴: ۳۰۱).

۲-۱-۶- فرایند وجودی

بندهای دارای فرایند وجودی نشان‌دهنده وجود، هستی یا رخداد چیزی است. شرکت‌کننده دیگر این نوع بند موجودیت یا رخدادی است که به وجود آن در بند اشاره شده است و موجود^{۱۱} نامیده می‌شود. فرایند وجودی در زبان فارسی با افعال «وجود داشتن و هستن» نمود پیدا می‌کند. (رضانی و رستم‌بیک، ۱۳۹۴).

1- attribute

2- carrier

3- identifying

4- identified

5- identifier

6- sayer

7- receiver

8- verbiage

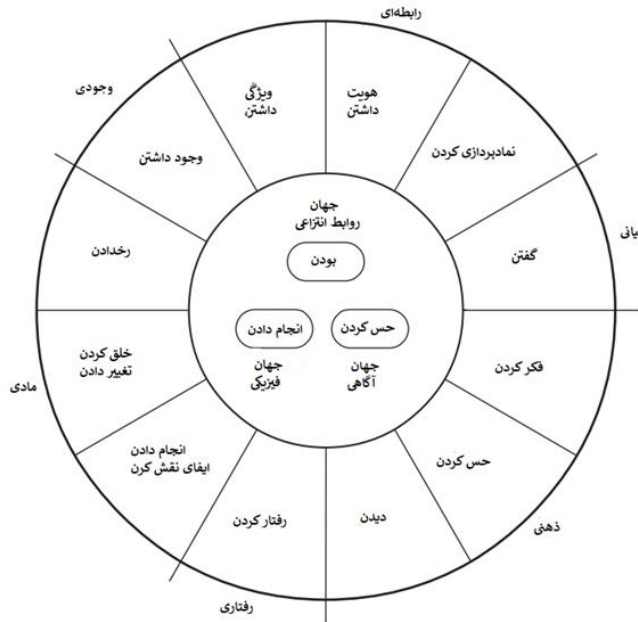
9- target

10- behavior

11- existent

۲-۱-۷- عناصر پیرامونی

عناصر پیرامونی پس زمینه‌ای را نشان می‌دهند که فرایند در آن صورت پذیرفته است. عنصر پیرامونی در زبان فارسی و انگلیسی قیود زمان و مکان، گستره^۱ مانند مسافت و مدت، شیوه^۲ مانند کیفیت و ابزار، علت^۳ مانند دلیل و قصد؛ و احتمال^۴ را در برمی‌گیرد (رستم‌بیک و رمضانی، ۱۳۸۹). شکل ۱- انواع فرایند فرایند را در فضای نشانه‌شناختی به نمایش گذاشته است. در این شکل مناطق مختلف نشان دهنده انواع فرایند است.



شکل ۱- دستور تجربه: انواع فرایند (هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴: ۲۱۶)

گذرایی در تحلیل گفتمان از اهمیت بالایی برخوردار است زیرا الگوی بند می‌تواند بازتاب‌دهنده شیوه‌های مختلف نگاه به جهان و ساختن واقعیت باشد، به عنوان مثال، با بازنمایی افراد در جایگاه کنشگر و دیگران در جایگاه هدف. همین امر ممکن است دارای معنای ضمنی از این قرار باشد که اشخاص یا گروه‌هایی به گونه‌ای بازنمایی شده‌اند که دارای عاملیت یا قدرت هستند. در نتیجه بازنمایی‌ها

- 1- extent
- 2- manner
- 3- cause
- 4- contingency

را می‌توان حاکی از سوگیری، استفاده ابزاری و ایدئولوژی در گفتمان دانست (امیری، ۱۳۹۵: ۴۶). در این بین نوع فرایند مهمترین عنصر در بازنمود جهان و نقطه شروع تحلیل چگونگی چنین بازنمایی‌ای است.

۳- پیشینه پژوهش

آثار ملاعلی فاخر از منظرها و حوزه‌های گوناگون اجتماعی، ادبی، هنر، ادیان، فلسفه و عرفان و زبان‌شناسی مورد پژوهش و بررسی قرار گرفته‌اند. از جمله مهمترین آثاری که از منظری زبان‌شناختی به آثار این عالم برجسته پرداخته شده است می‌توان به این موارد اشاره کرد. قاسمی و همکاران (۱۳۹۶) و باقرزاده کاسمانی و همکاران (۱۳۹۶) که با رویکرد معنی‌شناسی شناختی به بررسی مفهوم‌سازی‌های صورت گرفته در سروده‌های این شاعر پرداختند. طایفی (۱۳۹۶) با رویکرد نشانه‌شناسی تقابل‌های دوگانه را در گزیده اشعار ملاعلی فاخر مورد توجه قرار داد و دلاور (۱۳۹۶) نیز با دیدی سبک‌شناسانه گزیده اشعار ملافاخر را بررسی کرد. آنچه در این بین جلب نظر می‌نماید عدم وجود پژوهشی است که با رویکرد تحلیل گفتمانی خصوصاً رویکرد نقش‌گرای سروده‌های ملاعلی فاخر را مورد کنکاش قرار دهد. دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی به عنوان یکی از کاربردی‌ترین ابزارهای موجود جهت تحلیل متن و گفتمان شناخته می‌شود از این جهت از ابزارها و مفروضات آن در پژوهش‌ها و حوزه‌های گوناگونی نظیر آموزش زبان، تحلیل گفتمان، تحلیل گفتمان انتقادی (تگفا)، سبک‌شناسی ادبی، نشانه‌شناسی، روان‌شناسی زبان و دیگر حوزه‌های مرتبط به زبان‌شناسی مورد استفاده گستره قرار گرفته‌اند. در این بخش پیشینه برخی از پژوهش‌های صورت گرفته شده با استفاده از رویکرد دستور نقش‌گرای نظام‌مند در حوزه تحلیل گفتمان متون ادبی ایرانی و غیر ایرانی اشاره می‌شود.

هلیدی (۱۹۷۱) با بررسی رمانی از ویلیام گلدینگ^۱ با ارائه مثال‌هایی از گفتار یکی از شخصیت‌های این داستان نشان داده است که وی در درک رابطه علت و معلولی دچار مشکل است. ضعف این شخصیت در تجربه کردن جهان بیرون و دانش اندک و غیرعادی او درباره جهان پیرامونش، در گفتار شخصیت بازنمایی شده است و بر اساس کارکرد فرانش تجربی زبان می‌توان این مسئله را تبیین کرد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که دستور نقش‌گرا می‌تواند در تحلیل متون بسیار کارآمد باشد. برتون^۲ (۱۹۸۲) نظام‌گذاری را در تحلیل متنی مستخرج از رمان طنین زنگ نوشته سیلویا پلات^۳ به کار گرفته است. نتایج تحلیل‌های آماری برتون نشان داده است که شخصیت اول متن، منفعل است و نقش کنشگری ندارد. هیچ کنشی از سوی وی انجام نمی‌پذیرد و انجام دهنده کنش‌ها، مشارکین دیگر هستند. حسن (۱۹۸۹) با بررسی انواع فرایند در شعری از موری مشاهده کرد که فرایند مادی بیشترین استفاده را در این شعر داشته است در حالی که فرایند بیانی هیچ‌گونه کاربردی در متن مورد مطالعه نداشته است. حسن علت این موضوع را تنهایی شخصیت اصلی داستان قلمداد کرده است. آذر و یزدچی (۲۰۱۲) رمانی

1- W. Golding

2- D. Burton

3- S. Plath

از جیمز جویس را با تکیه بر نظام گذرایی مورد تحلیل قرار دادند؛ نتایج این تحلیل نشان داده است که شخصیت ماریا در این داستان به صورت نمادین از مریم مقدس بازنمود یافته است. چورا^۱ (۲۰۱۳) با بررسی افعال سه مفعولی متون علمی پزشکی از منظر فرانقش تجربی این گونه نتیجه گرفته است که با وجود اینکه فرایندهای مادی و رابطه‌ای پر بسامدترند فرایندهای کلامی و ذهنی بسامد کمتری دارند و این امر به علت ویژگی‌های رشته پزشکی و هنجارهای نگارش مقالات علمی است. مسویا^۲ (۲۰۱۴) با اتخاذ رویکرد نقش‌گرا فرایندهای بیانی را در داستانی از پیتر آبراهام مورد بررسی قرار داده است. نتایج این بررسی نشان داده است که بررسی این نوع فرایند ابزار مناسی جهت تحلیل گفتمان از منظر جنسیت است و همچنین با وجود آنکه فرایند بیانی در جایی بین فرایند رابطه‌ای و ذهنی قرار دارد اما داده‌ها نشان داده است که فرایند رابطه‌ای با فرایند مادی نیز رابطه تنگاتنگی دارد.

آفاکل زاده و همکاران (۱۳۹۰) با استفاده از تحلیل نظام گذرایی در قالب دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی چهار داستان کوتاه صادق هدایت و جلال آل احمد را با یکدیگر مقایسه نمودند. نتایج این پژوهش نشان داد که بسامد رخداد فرایند مادی در آثار آل احمد بیشتر از هدایت است و به اعتقاد آفاکل زاده و همکاران این امر بیانگر اتخاذ رویکرد واقع‌گرایانه از سوی آل احمد است. در حالی که هدایت از فرایندهای رفتاری بیشتر در داستان‌های خود استفاده نموده است و دلیل آن توجه هدایت به انسان است. علاوه بر این، کاربرد فرایندهای ذهنی و رابطه‌ای در داستان‌های هدایت بیشتر از آل احمد است. محمدی و نبی‌فر (۲۰۱۲) دوپست ضرب‌المثل فارسی و انگلیسی را با استفاده از دستور نقش‌گرای نظام‌مند مقایسه نمودند. نتایج این بررسی نشان داد که کاربرد فرایندهای مادی، رابطه‌ای و ذهنی در هر دو زبان زیاد است اما کاربرد فرایندهای رابطه‌ای، رفتاری و کلامی در زبان فارسی بیشتر و استفاده از فرایندهای مادی و وجودی کمتر از انگلیسی است. فضالی و ابراهیمی (۱۳۹۳) با بررسی افعال در هفت‌خوان رستم با استفاده از دستور نقش‌گرای نظام‌مند نشان داده‌اند که فرایند مادی بیشترین کاربرد را در این اشعار داشته است و میزان کاربرد این فرایند با دومین فرایند پر بسامد (فرایند رابطه‌ای) به لحاظ آماری نیز معنادار است. فضالی و ابراهیمی دلیل این استفاده بالا را فضای حماسی شاهنامه عنوان کرده‌اند. امیرخانلو (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای سبک‌شناسانه بررسی فرایندهای موجود در فرانقش اندیشگانی غزلیات حافظ را مورد پژوهش قرار داده است. نتایج پژوهش امیرخانلو نشان می‌دهد حافظ در غزلیات عاشقانه و قلندارانه خویش از فرایند مادی بیشتر از سایر فرایندهای استفاده کرده است و در غزلیاتی که ویژگی مناظره داشته‌اند از فرایندهای کلامی استفاده بیشتری نموده است. رضویان و احمدی (۱۳۹۵) با بررسی و مقایسه نظام گذرایی در آثار نویسندگان زن و مرد سعی داشته‌اند تا با رویکردی مقابله‌ای نقش جنسیت بر ارائه جزئیات در داستان را مشخص نمایند. به این منظور رضویان و احمدی دو داستان نوشته شده توسط جعفر مدرس صادقی و سیمین دانشور را تحلیل و با یکدیگر مقایسه کردند. نتایج این پژوهش نشان داده

¹ - Choura, S.

² - Msuya, E.A.

است که دانشور نسبت به صادقی از افزوده‌های حاشیه‌ای کمتر اما متنوع‌تری استفاده کرده است. در هر دو داستان تعداد افزوده‌های مربوط به «مکان»، بیشترین میزان را به خود اختصاص داده است. در اثر نویسنده مرد هیچ افزوده‌ای مربوط به «منبع و ظاهر» به چشم نمی‌خورد در حالی که دانشور این افزوده را به کار برده است. صمدیانی و تقوی (۱۳۹۵) با استفاده از دستور نقش‌گرای نظام‌مند تجربه‌های عرفانی را در «عبهر العاشقین» مورد بررسی قرار دادند؛ نتایج این پژوهش نشان داد که در این اثر فرایندهای رابطه‌ای، رفتاری بیشترین بسامد و فرایندهای مادی و وجودی کمترین کاربرد را داشته‌اند. شیبانی اقدم و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خود بررسی جهان‌بینی مولوی و کارکرد آیات و احادیث در دفتر اول مثنوی با تکیه بر نظام گذرایی را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که هسته اصلی و مرکز معنایی فرایندهای به کار رفته در آیات و احادیث از نوع رابطه‌ای است. همچنین آیات و احادیثی که فرایند مشخصی دارند، می‌توانند به چند فرایند افزایش یابند، یا برعکس چند فرایند نمود یافته در آیات و احادیث در کلام مولوی می‌تواند به یک فرایند تقلیل یابد و به این ترتیب، بر هدف تعلیمی و ارشادی نکته خاصی تأکید شود. دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی در پژوهش‌های انتقادی نیز کاربرد عمده‌ای داشته است نظیر محبی‌تبار (۱۳۸۹) که در رساله خود تحلیل انتقادی گفتمان دفاع مقدس در اشعار قیصر امین‌پور را مورد پژوهش قرار داده است. پژوهشگر برای تحلیل چگونگی ارتباط متن شعر دفاع مقدس، با گفتمان این دوره، از ابزارهای معرفی شده در تجربی، که یکی از بخش‌های دستور نقش‌گرای هلیدی است؛ استفاده کرده است. نتایج این پژوهش نشان داده است که ایدئولوژی گفتمان دفاع مقدس، در شعر امین‌پور، به صورت تلویحی بازتاب گسترده‌ای دارد. فرآیند نام‌گذاری برای مضامین دفاع مقدس، با نگاهی عاشقانه و عارفانه صورت گرفته و باعث نوعی طبیعی‌شدگی گشته است. فردوسی (۱۳۸۹) در رساله خود تحلیل گفتمان انتقادی گلستان سعدی را مورد تأکید قرار داده است. ابزار تحلیل متن در این پژوهش نظریه نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی و فرانش تجربی است و تحلیل‌های انتقادی بر اساس رویکرد نورمن فرکلاف^۱ (۱۹۸۹) انجام شده است. نتایج پژوهش فردوسی نشان داده است که در گلستان دو گفتمان عمده معنوی و حکومتی موجود است. پژوهشگر با تبیین نقش و جایگاه مشارکان هر یک از این گفتمان‌ها، نهایتاً به این نتیجه دست یافته است که گفتمان غالب گلستان، گفتمان معنوی است و از میان مشارکان آن، خداوند بر فضای گلستان برتری مطلق دارد. همچنین روحی‌پور (۱۳۹۲) در رساله خود فرم و محتوای غزلیات سعدی شیرازی و هوشنگ ابتهاج را مورد بررسی و مقایسه قرار داده است. نتایج این پژوهش نشان داده است که به لحاظ فرم، غزل هر دو شاعر، روایی و در اکثر موارد، از انسجام مفهومی، برخوردار است و از نظر محتوایی شعر سعدی و سایه، عشق انسانی ملموس بدون سایه روحانی غزل سنتی را در بر دارد.

^۱ - Fairclough, N.

۴- یافته‌ها

در این بخش بر اساس تعاریفی که در بخش چارچوب نظری تحقیق از فرایندهای مادی، رابطه‌ای، ذهنی و فرایندهای فرعی رفتاری، بیانی و وجودی ارائه شد، انواع فرایندهای موجود در گفتمان تعلیمی ملافاخر بررسی می‌شود. به این منظور نخست، برای هر یک از انواع فرایند نمونه‌ای از کاربرد آن در پیکره اشعار گزیده مرثیه و گزیده اشعار ذکر می‌گردد؛ آنگاه فراوانی و درصد فراوانی هر یک از فرایندها در کل پیکره مورد مطالعه و نیز اشعار هر یک از کتب مورد بررسی در قالب جدول و نمودار ارائه می‌گردد.

۴-۱- فرایند مادی

تا قافله سالار دین بگشود بار کربلا باد خزانی هرطرف او را به گلزار آمده

(گزیده مرثیه)

تا به چانه آب جاری کن که گیرد پوست، آب مو اگر انبوه باشد ظاهرش باشد حساب

(گزیده اشعار)

۴-۲- فرایند ذهنی

هر آن درد الم دیدم به پایت دلم خوش بود از قد رسایت

(گزیده مرثیه)

هرکه رویش دید حرفش می‌شنید تا سدی نزدیک وی، از وی رمید

(گزیده اشعار)

۴-۳- فرایند رابطه‌ای

عزیزم هیجده ساله جوان است به پیش دیده لیلا روان است

(گزیده مرثیه)

سال نویی که او به خوشحالی توست آن نشانی از کهن سالی توست

(گزیده اشعار)

۴-۴- فرایند بیانی

می‌گفت لیلا ای علی کی سرو بستانم ای بلبل گلزار من ای نور چشمانم

(گزیده مرثیه)

گفت چشم از دیدن تو سیر نیست گفت وصل ما و تو پر دیر نیست

(گزیده اشعار)

۴-۵- فرایند رفتاری

تو خود به صحبت امثال ما نپردازی نظر به حال پریشان ما نیندازی (گزیده مرثیه)

همه عمر چشم بودم که مگر گلی بخندد دگر ای امید خون شو که فرو خلید خاری

(گزیده اشعار)

۴-۶- فرایند وجودی

مجنون صفت خود را زخم در کوه و در دامان چون قمریان کوکو زنان اندر بیابانم
(گزیده مرثیه)

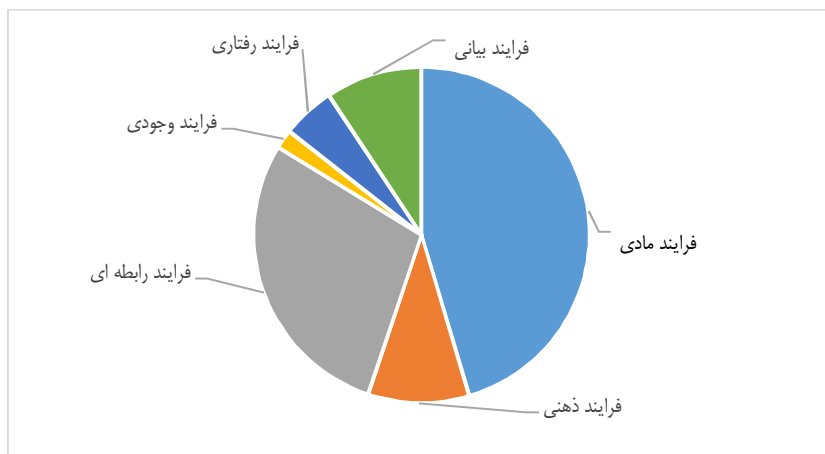
بود در شهری جوان زاهدی صالحی مانند او کم آمدی
(گزیده اشعار)

نتایج حاصل از تحلیل انواع فرایند در کل پیکره مورد بررسی که شامل مرثیه‌ها و گزیده اشعار ملافاخر است در جدول ۱- ارائه شده است.

نوع فرایند	بسامد رخداد
فرایند مادی	۲۴۳
فرایند ذهنی	۵۲
فرایند رابطه‌ای	۱۵۳
فرایند بیانی	۵۰
فرایند رفتاری	۳۷
فرایند وجودی	۱۰
مجموع فرایندها	۵۳۵

جدول ۱- فراوانی رخداد انواع فرایند در پیکره اشعار تعلیمی ملافاخر

چنانچه در جدول ۱- مشاهده می‌شود در مجموع ۵۳۵ بند مورد تحلیل قرار گرفته است. با توجه به نتایج به دست آمده در این بخش، نمودار ۱- درصد توزیع انواع فرایند را در کل پیکره مورد بررسی به نمایش گذاشته است:



نمودار ۱- توزیع انواع فرایند در اشعار ملافاخر

با توجه به نمودار ۱- وضعیت کلی توزیع انواع فرایند در گفتمان اشعار تعلیمی ملافخر مشخص شده است. همانطور که در نمودار ۱- مشاهده می‌شود از بین انواع فرایند، فرایند مادی با ۴۵ درصد بیشترین رخداد را در گفتمان تعلیمی داشته است. پس از آن فرایند رابطه‌ای ۲۹ درصد مجموع فرایندها را به خود اختصاص داده است و از این منظر در مرتبه دوم قرار گرفته است. پس از آن فرایند ذهنی با ۱۰ درصد، فرایندهای بیانی با ۹ درصد، رفتاری با ۵ درصد و در پایان فرایند وجودی تنها با ۲ درصد رخداد داشته‌اند. به منظور تحلیل جداگانه و مقایسه نظام گذرایی بر پایه نوع فرایند در گفتمان تعلیمی کتاب‌های مجموعه مرثیه و گزیده اشعار، درصد رخداد انواع فرایند در هر یک از این دو اثر در جدول‌های مجزا ارائه شده است. فراوانی و درصد توزیع انواع فرایند در گفتمان تعلیمی گزیده مرثیه در جدول ۲- به نمایش گذاشته شده است.

نوع فرایند	بسامد رخداد	درصد توزیع
فرایند مادی	۱۱۵	۵۲
فرایند ذهنی	۱۹	۸
فرایند رابطه‌ای	۵۶	۲۵
فرایند بیانی	۱۱	۵
فرایند رفتاری	۱۶	۷
فرایند وجودی	۶	۳
مجموع فرایندها	۲۲۳	۱۰۰

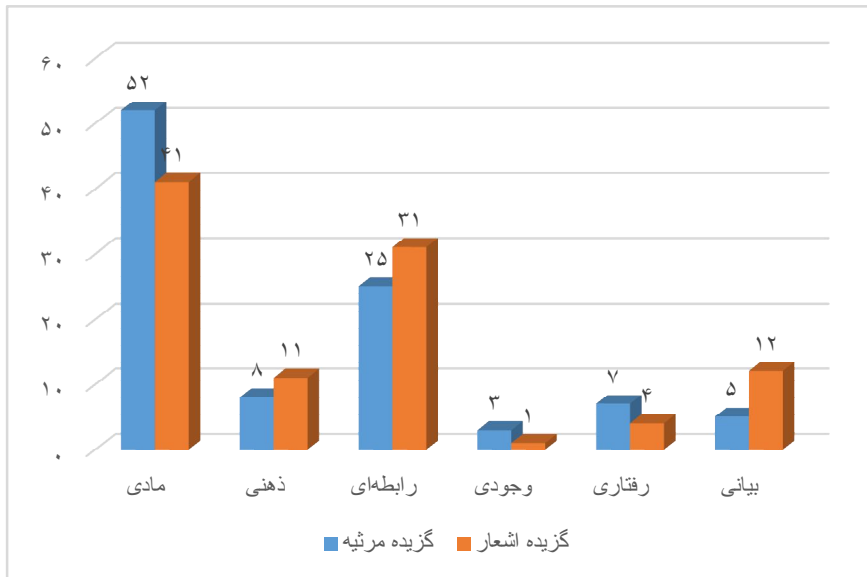
جدول ۲- فراوانی رخداد و درصد توزیع انواع فرایند در پیکره گزیده مرثیه

همانگونه که در جدول ۲- مشاهده می‌شود در گزیده مرثیه مجموعاً ۲۲۳ فرایند شناسایی گردید که از این بین فرایند مادی با ۵۲ درصد بیشترین رخداد را در پیکره داشته است و پس از آن فرایند رابطه‌ای با ۲۵ درصد در مرتبه دوم قرار گرفته است. فرایندهای ذهنی با ۸ درصد، رفتاری با ۷ درصد، بیانی با ۵ و وجودی با ۳ درصد به ترتیب در مرتبه‌های بعدی از لحاظ بسامد رخداد قرار گرفته‌اند. همچنین میزان رخداد انواع فرایند و درصد توزیع آنها در گفتمان تعلیمی گزیده اشعار در جدول ۳- ارائه شده است.

نوع فرایند	بسامد رخداد	درصد توزیع
فرایند مادی	۱۲۸	۴۱
فرایند ذهنی	۳۳	۱۱
فرایند رابطه‌ای	۹۷	۳۱
فرایند بیانی	۳۹	۱۲
فرایند رفتاری	۱۱	۴
فرایند وجودی	۴	۱
مجموع فرایندها	۳۱۲	۱۰۰

جدول ۳- فراوانی رخداد و درصد توزیع انواع فرایند در پیکره گزیده اشعار

با توجه به نتایج به دست آمده در جدول ۳- در غزلیات عاشقانه ابتهاج در مجموع ۳۱۲ فرایند کاربرد داشته است که از این تعداد فرایند مادی با ۴۱ درصد بیشترین رخداد را به خود اختصاص داده است و پس از آن فرایندهای رابطه‌ای با ۳۱ درصد در مرتبه دوم قرار دارد. فرایندهای بیانی با ۱۲ درصد، ذهنی با ۱۱ درصد، رفتاری ۴ درصد و وجودی با ۱ درصد به لحاظ بسامد رخداد در مرتبه‌های بعد قرار گرفته‌اند. به منظور مقایسه بهتر اشعار گزیده مرثیه و گزیده اشعار نتایج به دست آمده از جدول‌های ۲- و ۳- در قالب نمودار ۲- به نمایش گذاشته شده است.



نمودار ۲- مقایسه توزیع انواع فرایند در گزیده مرثیه و گزیده اشعار

همانگونه که در نمودار ۲- دیده می‌شود، بیشترین میزان استفاده از فرایندهای فعلی از سوی هر دو شاعر مربوط به فرایندهای مادی و پس از آن فرایندهای رابطه‌ای است. با وجود این درصد رخداد فرایندهای مادی نسبت کل فرایندها اشعار مرثیه‌ها به میزان قابل توجهی یعنی ۱۱ درصد از کاربرد همین فرایند در گزیده اشعار بیشتر است. علاوه بر این ملاحظه در مرثیه‌ها از فرایندهای رفتاری و وجودی به میزان ۳ و ۲ درصد بیشتر از گزیده اشعار استفاده کرده است. از سوی دیگر رخداد فرایندهای بیانی، رابطه‌ای و ذهنی به ترتیب با ۷، ۶ و ۳ درصد در گزیده اشعار رخداد بیشتری نسبت به مرثیه‌ها داشته‌اند.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر سعی شد تا با بررسی اشعار سروده شده از سوی عارف و ادیب فرزانه، علامه ملاحلی فاخری، در کتاب‌های گزیده اشعار و گزیده مرثیه نخست به چگونگی بازنمود جهان و معانی در گفتمان تعلیمی از طریق بررسی وضعیت نظام گذرایی پرداخته شود. سپس با تکیه بر نتایج به دست آمده از

تحلیل فرایندهای موجود در اشعار هر یک از این دو اثر، ویژگی‌های متنی ایشان مشخص و شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود بین آنها مشخص شد. به این منظور ۲۶۰ غزل از کتاب‌های گزیده اشعار و گزیده مرثیه انتخاب و با استفاده از دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی و متیسن (۲۰۱۴) و از منظر گذرایی مورد تحلیل قرار گرفته شدند. نتایج تحلیل ۵۳۵ بند بررسی شده نشان می‌دهد که به طور کلی در گفتمان تعلیمی فارسی فرایندهای اصلی نسبت به فرایندهای فرعی از بسامد بالاتری برخوردار است. به این صورت که فرایندهای مادی با ۴۵ درصد بیشترین کاربرد را در بازنمایی این گفتمان دارد و پس از آن فرایندهای رابطه‌ای (۲۹ درصد) و ذهنی (۱۰ درصد) بیشترین استفاده را در بازنمایی این گفتمان بر عهده داشته‌اند. از بین فرایندهای فرعی فرایند بیانی با اختصاص ۹ درصد از مجموع انواع فرایندها به خود بیشترین کاربرد را داشته است. پس از آن فرایند رفتاری (۵ درصد) و فرایند وجودی (۲ درصد) کم کاربردترین نوع فرایند در این گفتمان بوده‌اند. این نتایج بیانگر این است که ارجاع به دنیای بیرون و کنش‌های گفتمانی و نیز شرح وقایع و حوادث به علت بسامد بیشتر فرایندهای مادی از اهمیت بالاتری برخوردار است. همچنین به منظور بازنمایی خصوصیات، شرایط و وضعیت مشارکین موجود در این گفتمان، بازنمایی فضایی و زمانی، توصیف ویژگی‌های شخصیت‌ها و بیان مالکیت از فرایند رابطه‌ای به میزان بالایی استفاده شده است. ملافاخر به منظور توصیف فضای ذهنی و نیز تجربیات حسی در اشعار تعلیمی خود از فرایند ذهنی بهره برده است اما چنانچه به نظر می‌رسد بازنمایی احساسات، اندیشه‌ها و دریافت‌های شخصیت‌های موجود در غزل نسبت به کنش‌ها و توصیف شخصیت‌ها از میزان اهمیت کمتری برخوردار بوده است.

مقایسه نتایج به دست آمده از تحلیل نظام گذرایی گزیده مرثیه با گزیده اشعار نشان داد استفاده از انواع فرایند در بین این دو اثر شباهت‌های زیادی با یکدیگر دارند. فرایندهای مادی و رابطه‌ای بیشترین کاربرد را در اشعار تعلیمی این دو اثر داشته‌اند. با وجود این ملافاخر در مرثیه‌های خود از فرایندهای مادی، رفتاری و وجودی بیشتری نسبت به گزیده اشعار استفاده کرده است. آنچه در این بین بیشتر جلب نظر می‌کند میزان رخداد به مراتب بیشتر فرایند مادی در این اشعار است که دلیل آن را می‌توان با توجه به موضوع اشعار مرثیه، تلاش ملافاخر در جهت بازنمایی کنش‌ها، حوادث و رویدادهایی دانست که ائمه اطهار «کنشگر» یا «هدف» آنها بوده‌اند و این امر خود را با افزایش بسامد فرایندهای رابطه‌ای در متن و پویایی بیشتر گزیده مرثیه نشان داده است. این در حالی است که کاربرد فرایندهای بیانی، رابطه‌ای و ذهنی در گزیده اشعار بیشتر از گزیده مرثیه است. با توجه به مضامین و موضوعات مطرح شده در گزیده اشعار که بسیاری از آنها در قالب داستان‌های آموزنده مطرح شده‌اند، ملافاخر به منظور همراه کردن مخاطب با موضوع و قابل فهم نمودن مضامین اعتقادی و تعلیمی بسیاری از مفاهیم را در قالب گفتگوهای پرتعداد میان شخصیت‌های داستان‌ها گنجانده است که خود دلیلی است برای بسامد بالاتر فرایندهای بیانی در گزیده اشعار. همین ساختار داستان‌گونه موجب شده است تا شاعر با هدف تصویرسازی بهتر از شرایط، محیط و شخصیت‌ها و نیز تشبیه مفاهیم و مضامین متعالی به موجودیت‌های ملموس تر برای مخاطبین، از فرایند رابطه‌ای به میزان بالاتری استفاده کند.

با مقایسه یافته‌های پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌های انجام گرفته شده در این حیطه که در بخش پیشینه ذکر گردیدند مشخص می‌شود که نتایج به دست آمده از تحلیل نظام گذرایی گفتمان تعلیمی ملافاخر و بسامد کاربرد انواع فرایند در متون مورد بررسی با نتایج بررسی‌های آقاگل‌زاده و همکاران (۱۳۹۰)، محمدی و نبی‌فر (۲۰۱۲)، چورا (۲۰۱۳)، فضائی و ابراهیمی (۱۳۹۳) و امیرخانلو (۱۳۹۴) همسو است. از سوی دیگر ترتیب فرایندهای پرسامد در پژوهش شیبانی اقدم و همکاران (۱۳۹۶) که بر روی اشعار مولوی انجام شده بود و صمدیانی و تقوی (۱۳۹۵) که تجارب عرفانی عیبر العاشقین را مورد تحلیل قرار داده بود با نتایج پژوهش حاضر تفاوت دارد با وجود آن که اشعار بررسی شده مولوی و تجارب عرفانی عیبر العاشقین را می‌توان به گفتمان تعلیمی ادبیات فارسی نسبت داد؛ بسامد رخداد فرایندها و نحوه بازنمایی جهان در این دو اثر با آثار بررسی‌شده ملافاخر متفاوت است. به نظر می‌رسد شیوه بازنمایی جهان با توجه به نظام گذرایی در گفتمان تعلیمی ملافاخر بیش از آن که به دیگر شعرای این سبک نزدیک باشد با گفتمان عاشقانه قرابت دارد که خود نشان دهنده تمایز سبک او با شیوه مرسوم بازنمایی جهان در گفتمان تعلیمی است.

منابع

- امیرخانلو، معصومه (۱۳۹۴). «سبک‌شناسی غزلیات حافظ بر اساس فعل، رویکرد نقش‌گرا». *ادب فارسی*. سال ۵، شماره ۲، ۱۸۶-۱۶۹.
- امیری، محمد عارف (۱۳۹۵). *تحلیل گفتمان پیکره‌یار ترانه‌های فارسی: رهیافتی انتقادی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- آقاگل‌زاده، فردوس؛ کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه و حسین رضویان (۱۳۹۰). «سبک‌شناسی داستان بر اساس فعل: رویکرد نقش‌گرا». *فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی*، سال ۴، شماره ۱، ۲۵۴-۲۴۳.
- باقرزاده کاسمانی، مراد؛ قلی‌زاده توچالی، پریسا؛ یوسفی زیرابی، فریده؛ نادری شیباده؛ مریم؛ پرتوی، آناهیتا؛ ساروخانی، حمید؛ جعفرزاده، محسن و علی ابراهیمی (۱۳۹۶). «استعاره مفهومی (طرحواره‌های حجمی، قدرتی، حرکتی) در اشعار علامه ملاعلی فاخری از منظر معناشناسی شناختی». *مجموعه مقالات برگزیده همایش ملاعلی و شیخ آقا حسن فاخری*، جلد ۲، ۱۰۶-۷۹.
- پورنامداریان، تقی (۱۳۸۶). «انواع ادبی در شعر فارسی». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه قم*، سال ۱، شماره ۳، ۲۲-۷.
- دلاور، پروانه (۱۳۹۶). «تحلیل سبک‌شناختی گزیده اشعار فاخر». *مجموعه مقالات برگزیده همایش ملاعلی و شیخ آقا حسن فاخری*، جلد ۱، ۷۶۴-۷۴۹.
- رستم‌بیک تفرشی، آتوسا و احمد رضانی (۱۳۸۹). «توصیف نوشتار دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی بر مبنای دستور نقش‌گرایی نظام‌مند هلیدی». *کودکان استثنایی*، دوره ۱۰، شماره ۴، ۳۸۵-۳۶۹.

- رضویان، حسین و شیوا احمدی (۱۳۹۵). «نگاهی به نقش جنسیت نویسنده در ارائه جزئیات در داستان بر اساس دستور نقشگرا». *جستارهای زبانی*، دوره ۷ شماره ۶، ۳۷۰-۳۴۳.
- رضوانی، احمد و اتوسا رستم بیک (۱۳۹۴). «تحلیل متن کتاب زبان انگلیسی هفتم بر مبنای دستور نقشگرایی نظام‌مند هلیدی»، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، سال ۱۵، شماره ۳، ۷۶-۵۹.
- روحی‌پور، سیده محدثه (۱۳۹۲). *بررسی و مقایسه فرم و محتوای غزلیات سعدی شیرازی و هوشنگ ابتهاج (سایه)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۱). *انواع ادبی، ویرایش سوم*، تهران: فردوس، چاپ نهم
- شیبانی اقدم، اشرف؛ گذشتی، محمدعلی و راحله غلامی (۱۳۹۶). «جهان بینی مولوی و کارکرد آیات و احادیث در دفتر اول مثنوی با تکیه بر نظام گذرایی». *ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی*، سال ۱۳، شماره ۴۶، ۱۴۵-۱۲۳.
- صمدیانی، غلامرضا و محمد تقوی (۱۳۹۵). «بررسی تجربه‌های عرفانی در عبهر العاشقین بر اساس فعل: رویکرد نقشگرا». *پژوهش‌های ادب عرفانی*، شماره ۳۰، ۷۶-۵۹.
- طایفی، شیرزاد (۱۳۹۶). «نشانه‌شناسی تقابل‌های دوگانه در گزیده اشعار ملاعلی فاخر». *مجموعه مقالات برگزیده همایش ملاعلی و شیخ آقا حسن فاخری*، جلد ۱، ۳۵۴-۳۳۵.
- فردوسی، مرجان (۱۳۸۹). *تحلیل گفتمان انتقادی گلستان سعدی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی، دانشگاه الزهرا
- فضائی، سیده مریم و شیما ابراهیمی (۱۳۹۳). «تحلیل سبک‌شناختی داستان هفتخوان رستم شاهنامه در چارچوب دستور نقش‌گرایی نظام‌مند هلیدی». *مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران*، سال ۱، شماره ۴، ۱۴۲-۱۱۹.
- قاسمی، حسین؛ امیری، محمد عارف؛ حاجی‌پور، نادیا و آناهیتا پرتوی (۱۳۹۶). «استعاره مفهومی «غم» در اشعار ملاعلی فاخر». *مجموعه مقالات برگزیده همایش ملاعلی و شیخ آقا حسن فاخری*، جلد ۲، ۲۷-۵۳.
- محبی‌تبار، پروانه (۱۳۸۹). *تحلیل انتقادی گفتمان شعر دفاع مقدس در اشعار قیصر امین‌پور*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی، دانشگاه الزهرا
- Azar, A. S. and N.Yazdchi(2012). A Stylistic Analysis of “Maria” in “Clay”: The Character in James Joyce’s Short Story. *Journal of Basic and Applied Scientific Research*, 2(2), 1050-1055.
- Burton, D. (1982). *Through Glass Darkly: Through Dark Glasses. Language and Literature: An Introductory Reader in Stylistics*, 194-214.
- Choura, S. (2013). *Ditransitive Complementation in Medical Research Articles*. Retrieved 24 May, 2013, from:

<http://jetou2013.free.fr/documents/JeTou2013-Actes-p53-58-Choura.pdf>

- Fairclough, N. (1989). *Language and Power*. London: Longman.
- Halliday, M. A. (1971). Linguistic Function and Literary Style: An Inquiry into the Language of William Golding's *The Inheritors*. In *Literary style: A Symposium* (Vol. 339). New York: Oxford University Press.
- Halliday, M.A.K. (1994) *An Introduction to Functional Grammar (2nd edition)*. London: Edward Arnold.
- Halliday, M.A.K. and C.M.I.M. Matthiessen (2004) *An Introduction to Functional Grammar (3rd edition)*. London: Hodder Arnold.
- Halliday, M. and C.M. Matthiessen (2014). *An Introduction to Functional Grammar*. Routledge.
- Hasan, R. (1989). *Linguistics, Language and Verbal Art*. Oxford: Oxford University Press
- Mohammadi, K. and N. Nabifar (2012). A Comparative Study of English and Persian Proverbs based on Halliday's Experiential Metafunction. *Journal of Academic and Applied Studies*, 2(8), 22-36.
- Msuya, E. A. (2014). Stylistic Analysis of "Xuma" and "Leah" in Peter Abraham's *Mine Boy: A Verbal Transitivity Process*. *International Journal of Linguistics*, 6(1), 132-152.
- Thompson, G. (2014). *Introducing Functional Grammar (3rd edition)*. Routledge.

سید سادات
